

بیانات معظم له در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) - 21 / تیر / 1377

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

من هم میلاد مسعود و مبارک رحمت عظمای الهی، حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت امام صادق علیه الصلوة والسلام را به همه امت بزرگ اسلامی، بخصوص به ملت عظیم الشان ایران و همچنین به شما حضار محترم - مسؤولان و کارگزاران بخشهای گوناگون کشور - و نیز به میهمانان عزیز که در این ایام در ایران اسلامی به سر می برند، تبریک عرض می کنم.

بزرگداشت نبی اکرم، صرفاً یک تشریفات نیست. اگر چه بودن چنین تشریفات در میان ملت‌های مسلمان هم مغتنم، بلکه لازم است، ولی مسأله بالاتر از این است. امروز دنیای اسلام، بخصوص به احیای یاد پیامبر بزرگوار اسلام از همیشه محتاجتر است؛ بشریت هم محتاج همین نام مبارک و یاد مبارک و تعالیم مبارک است؛ لیکن قبل از آن که ما بخواهیم به کل بشریت پردازیم، دنیای اسلام باید این سرمایه عظیم معنوی خود را بازشناسی کند. مثل ملت‌هایی که قرن‌ها بر روی منابع مادی ناشناخته خودشان گرسنه خوابیدند، تا دیگران آمدند منابع آنها را غارت کردند، امروز دنیای اسلام در کنار ذخایر عظیم معنوی خود، با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می کند و می گذراند؛ در حالی که این ذخایر عظیم و منابع بزرگ، می تواند او را نجات دهد و به او کمک کند.

بزرگی در چند ده سال قبل فرموده بود: «بنی الاسلام علی دعائین: کلمة التوحید و التوحید الکلمة». این دو پایه اساسی اسلام است: اول کلمه توحید، بعد وحدت کلمه؛ که این دومی هم به اولی برمی گردد؛ یعنی وحدت کلمه بر محور توحید. امروز ما به این شعار از همیشه بیشتر احتیاج داریم؛ برگشت به کلمه توحید و به توحید کلمه. هر چه امروز از سختیها و بلاها بر سر مسلمانان و ملت‌های مسلمان می آید بر اثر گم کردن سررشته زندگی در زیر سایه توحید است. توحید که فقط یک امر ذهنی نیست؛ توحید یک امر واقعی و یک نظام و یک دستورالعمل زندگی است. توحید به ما می گوید که با دوستانمان چگونه باشیم، با دشمنانمان چگونه باشیم، در نظام اجتماعی چگونه باشیم و چگونه زندگی کنیم. بعضی خیال می کنند که اعتقاد به توحید، مربوط به بعد از مرگ است؛ در حالی که اعتقاد به توحید، سازنده این عالم و سازنده زندگی است. امروز ما به این احتیاج داریم؛ ملت‌های اسلامی به این احتیاج دارند.

هر چه ما به سمت توحید و عبودیت لله پیش برویم، شر طواغیت و اندادالله از سر ما بیشتر کم خواهد شد. ملت مسلمان ایران به همان اندازه ای که در خط توحید پیش رفته است، امروز از زبان درازی و دست درازی امریکا و غیر امریکا از مستکبران عالم، راحت است؛ از بکن نکن آنها آزاد است. این، خاصیت توحید و خاصیت عبودیت لله است. بنده خدا که شدید، بندگی خدا با بندگی دیگران و نوکری دیگران نمی سازد. این، آن رکن اول است. رکن دوم هم توحید کلمه است. ملت‌های مسلمان باید با هم متحد شوند. امروز یکی از بزرگترین مصائب دنیای اسلام این است که دشمنان اسلام کاری کرده اند که آنچه باید وسیله اتحاد مسلمین شود - یعنی وجود دشمن، وجود صهیونیست‌های غاصب - وسیله اختلاف آنها شده است! کاری کرده اند که بعضی از دولت‌های مسلمان، این را وسیله ای برای قرار گرفتن در مقابل برادران خود بکنند و حقیقتاً اختلاف به وجود آید؛ در حالی که بودن چنین دشمنی در قلب کشورهای اسلامی، باید مسلمانان را به هم نزدیک کند؛ جبهه واحد تشکیل دهد و یک واحد به وجود آورد. این گناه هم به دخالت و دست اندازیهای استکبار برمی گردد. اگر حمایت‌های استکبار و در رأس آنها امریکا از اشغالگران فلسطین و تروریست‌های بین المللی، که در قلب کشورهای اسلامی متمرکز شده اند - یعنی همین حاکمان فعلی دولت جعلی اسرائیل - نبود، قدرت ماندن نداشتند. الان هم همین طور است.

امریکاییها در قضیه فلسطین نمی توانند میانجی باشند، نمی توانند واسطه باشند. آنها طرف قضیه اند؛ مقابل دولت‌های اسلامی و ملت‌های اسلامیند. در همین قضایای چندسال اخیر هم نشان داده شد. همین حالا در مقابل این

فاجعه عظیمی که صهیونیستها راه می اندازند - یعنی در حقیقت غصب دوباره بیت المقدس، غصب دوباره قبله مسلمانان - همین حمایت‌های امریکاست که اینها را جری کرده است، والا اینها جرأت نمی کردند. اگر حمایت امریکا نبود، دولت‌های اسلامی این زمره طاغیه را کفایت می کردند. الان هم اگر کشورهای اسلامی و دولت‌های اسلامی متحد باشند، کفایت می کنند.

عمده دشمنی امریکا با ایران اسلامی، به خاطر دو چیز است: یکی تمسک به اسلام، دیگری موضعگیری قاطع در مقابل قضیه فلسطین. این را همه شما بدانید، همه در دنیا بدانند. علت این که امریکا در مقابل ایران اسلامی، این طور گستاخ، جری، خشمگین و عنود قرار می گیرد، این دو مسأله است: اسلام و موضع در مقابل قضیه فلسطین؛ موضع صریح و قاطع، که از روز اول انقلاب تا امروز تغییر نکرده است و روزبه روز روشنتر و واضحتر هم شده است. تمام فشارها بر ایران اسلامی، برای این دو چیز است: دست برداشتن از اسلام و انصراف از حاکمیت احکام مقدس اسلامی و تغییر موضع در مقابل قضیه ی فلسطین. تا این مواضع ما هست، امریکا دلش با ما صاف نخواهد شد. این لحنهای علی الظاهر ملایمی هم که این اواخر مشاهده می شود، یک مقدار کار سیاسی معمولی منافقانه است؛ مقداری هم بر اثر تحلیل غلط اوضاع داخلی ایران است. نمی فهمند در ایران چه می گذرد؛ تحلیل‌های غلطی می کنند، برداشتهای غلطی می کنند، تقسیم‌های غلطی می کنند.

امروز به فضل پروردگار، علی رغم تلاشهای دستهای تفرقه افکن، ملت ما، دولت ما، مسؤولان ما، مجموعه کارگزاران این کشور، همه در یک جبهه و یک جناح قرار دارند و آن، جناح اسلام و انقلاب و خط روشن امام خمینی است. مسؤولان قرص و محکم ایستاده اند و حفاظت می کنند. دولت خدمتگزار ما، رئیس جمهور عزیز ما، مجلس مردمی و حقیقتاً ملی ما، دستگاههای قضایی ما و توده عظیم مردم، همه در یک خط و یک جناح قرار دارند. این تفرقه های خیالی که رادیوهای بیگانه ترویج می کنند و یک عده هم رویش تفسیر و تحلیل می گذارند، یک عده هم باور می کنند، اینها مثل حباب و مثل کف بر روی جریان آب است. جریان اصیل، «واماً ما ینفع الناس فی الارض» {P} . رعد: 17 P}

همین است؛ همه در یک جناحند و اختلافی بین مردم و بین مسؤولان نیست. وحدت، یعنی برگرد محورهای اصولی گرد آمدن و این به تمام معنی الکلهمه امروز در ایران هست.

بله؛ ما دشمن داریم. زخم خوردگان از انقلاب که سالهای اول انقلاب، تو دهنی انقلاب را خوردند، از روی صفحه زمین محو که نشدند - هستند - اینها هم دچار همان اشتباه دوستان امریکاییشان هستند؛ اوضاع داخلی را بد می فهمند، بد تفسیر می کنند، اشتباه می کنند. در اثر این اشتباه، حرکاتی می کنند که آنها را بیشتر افشا می کند و به ضررشان هم تمام خواهد شد؛ حالا چند صباحی نمی فهمند، ولی بعداً خواهند فهمید.

ملت ما متحد است؛ ملت با دولت، دولت با ملت، مسؤولان در بین خودشان. این وحدت کلمه در خط اسلام و انقلاب، همان چیزی است که دشمن را عصبانی می کند. من به شما مسؤولان، به شما کارگزاران کشور، به آحاد این ملت عرض می کنم که این را قدر بدانید. عزت شما به این وحدت شماست. عظمت شما در چشم دشمن به خاطر این وحدت شماست. احساس عجزی که می بینید دشمن می کند به خاطر این وحدت شماست؛ این را نگهش دارید.

دشمن وسوسه می کند. از اول انقلاب هم می کرده است؛ مخصوص امروز هم نیست. از اول انقلاب، شایعه ساختند، حرف درست کردند و پی در پی دم از اختلافات زدند. امروز هم مثل اوقات دیگر است. همیشه هم اراده ملت و اراده مسؤولان دلسوز و علاقه مند و دلباختگان به اسلام و به عبودیت خدا، بر همه اینها فائق شده است. امروز هم به فضل الهی فائق خواهد شد. دنیای اسلام باید به سمت چنین وحدتی حرکت کند. وحدت، یعنی همدلی و اتحاد بر اصول.

کارگزاران استکبار در دنیا خیال نکنند که ایران در حمایت از فلسطین تنهاست. سعیشان این است که این را القا کنند. نخیر؛ ایران تنها نیست. تمام ملت‌های اسلامی، دلشان در این جهت و در این خط است؛ دلشان در جهت نجات فلسطین و دفاع از ملت فلسطین است. روشنفکران دنیای اسلام، علمای دنیای اسلام، برجستگان دنیای اسلام،

بسیاری از سیاستمداران و سران و مسؤولان دنیای اسلام، این گونه فکر می کنند. ایران تنها نیست. اگر تنها هم بودیم، می ایستادیم؛ اما این خطاست که خیال کنند ایران تنهاست. نخیر؛ همه ملتها دلشان با ماست؛ همه از صهیونیستها بیزار و متنفرند؛ از حامیان صهیونیستها بیزار و متنفرند. امروز صهیونیسم، یک فکر شکست خورده در دنیاست. خیال کرده اند که می توانند این کار را بکنند؛ اما نتوانستند؛ تا الان هم نتوانسته اند و نخواهند توانست. خواستند ملت فلسطین را از بین ببرند و به فراموشی سپارند؛ اما نتوانستند.

امروز ملت فلسطین از تمام طول این پنجاه سال بیدارتر است. اگر مردم فلسطین نصف بیداری امروز را در سالهای چهل و پنج و چهل و شش و چهل و هفت و چهل و هشت - سالهای آن فاجعه کبری - می داشتند، این اتفاق نمی افتاد. امروز مردم فلسطین بیدارند و بیدارتر هم می شوند و مبارزه می کنند. صهیونیسم در مقابل موج نسلهای رو به ازدیاد فلسطینی طاقت نخواهد آورد. صهیونیسم و دولت غاصب و مجعول صهیونیستی در فلسطین، محکوم به فناست. مردم فلسطین باید از خدای متعال کمک بگیرند، کمک بخواهند و به خدا اتکال کنند. جوانان فلسطینی، جوانان لبنانی، همه جوانان دنیای اسلام و همه روشنفکران، این راه را دنبال کنند. ان شاء الله خدای متعال تفضل خواهد کرد و برکات الهی شامل حال خواهد شد. امیدواریم ان شاء الله آنچه که می گوییم، آنچه که حرکت می کنیم، آنچه که می کنیم، مشمول رضای الهی و رحمت الهی باشد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته